

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه بحث گذشت

در بحث گذشته این روایت صحیحیه عبدالملک را خواندیم، اجمال روایت و معنای روایت این شد که اگر کسی در نزد شریکش دینار و دنانیری دارد - در روایت عنوان خلیط آمده که خلیط را در لغت هم به معنای شریک و هم به معنای صدیق معنا کرده اند، اما اینجا قرائن روشنی هست که شاید مراد همان شریک باشد و این شخص طلبکار مقداری درهم مطالبه می‌کند و آن زمانی که درهم مطالبه می‌کند آن بدهکار يك مقدار درهم از صراف می‌گیرد و تحویل این خلیط می‌دهد. قبل از اینکه اینها آن محاسبه‌ای که بین‌شان از نظر طلب و بدهی بوده انجام شود، یعنی در ازای مقداری از دنانیر، مقداری درهم می‌دهد و بعد الاعطاء این قیمت تغییر پیدا می‌کند، قبل از اعطا يك دینار در ازای هفت درهم بوده و بعداً تغییر پیدا می‌کند و يك دینار در ازای دوازده درهم می‌شود. و طبعاً هم يك زمانی محاسبه می‌کنند و مسئله تمام می‌شود، آن سائل سؤالش از این است که آن زمانی که این بدهکار رفته دراهمی را تهیه کرده و در مقابل این دنانیر به من داده، بدون اینکه احتسابی در کار باشد و محاسبه‌ای در کار باشد، محاسبه‌ای آن بدهی و طلب. که حالا می‌شود این «قبل آن یحتسبا» را بگوئیم يك مقداری از آن را همینطوری داده و بعد تغییر پیدا کرده، آیا این تغییر قیمت بعد از زمان اعطاء ضمان آور است یا نه؟

آنچه که از این روایت صحیحیه عبدالملک فهمیده می‌شود این بود که ملاک همان يوم الاعطاء است، آن روزی که آمده درهم را اعطاء کرده و بعد از او در بازار، صروف هر تغییری پیدا کند اینها اثری ندارد، در نتیجه بیان استدلال به این روایت در ما نحن فیه این است که ما از روایت استفاده کنیم، اگر دینی در ذمه‌ی کسی بوده، آنچه که در روز اعطا داده می‌شود آن ملاک است. خواه در روز اعطاء قیمتش از روز اشتغال ذمه زیادت‌ر شده باشد و خواه قیمتش کمتر شده باشد. اگر روز اشتغال ذمه يك دینار در مقابل دوازده درهم بوده، اما روز اعطا يك دینار در مقابل هفت درهم است، همین ملاک است که این می‌شود مثال برای موردی که نقصان قیمت پیدا کرده، عکسش هم این است که اگر روز اشتغال ذمه يك دینار هفت درهم بوده و روز اعطا يك دینار شد دوازده درهم، ملاک همان يوم الاعطاء است، از این روایات استفاده می‌شود که ملاک يوم الاعطاء است و حتی چه بسا يك مقداری ما دایره‌ی استدلال را بالاتر ببریم، يك نزاعی وجود دارد که در باب قیمیات ضمان آیا مراد يوم التلف است یا يوم الأداء؟ بگوئیم ممکن است از این روایات اصلاً استفاده کنیم در باب قیمیات هم ضمان مربوط به يوم الأداء است ولو اینکه مشهور قائلند به اینکه ضمان يوم التلف است، قیمت يوم التلف است. اما بگوئیم بر حسب این روایت و بعضی از روایات دیگر ملاک ضمان يوم الاداء است.

اشکالات استناد به صحیحہ عبد الملک

اشکال اول: اینجا يك اشکالي مطرح است و آن اینکه اساساً این روایت و آن دو تا روایت دیگر که آدرسش را دادیم، بگوئیم اینجا ارتباط به دین و أدای دین ندارد، بلکه این روایات ناظر به بیع دینار به درهم یا بیع درهم به دینار است و امام (علیه السلام) می‌خواهند بفرمایند ملاک زمان تحقق بیع است، الآن هم در بازار امروز همینطور است، کسی می‌رود در بازار صد دلار را می‌فروشد به صد هزار تومان، صرّاف صد دلار را می‌فروشد در مقابل صد هزار تومان، بیع که تمام شد اگر يك دقیقه بعد قیمت‌ها بالا و پائین برود می‌گویند بیع تمام شده، بعد از يك دقیقه صد دلار بشود يك میلیون و یا صد دلار بشود ده هزار تومان، الآن دیگر توجّهی به این تغییر قیمت بعد البیع نمی‌کنند. مثل سایر بیع‌ها، کسی خانه‌ای خرید، يك دقیقه بعد قیمت‌ها تغییر پیدا کرد، يك ساعت بعد تغییر پیدا کرد، آن وقت ربما يقال که این روایات اصلاً ناظر به دین و اداء دین نیست، این روایات نمی‌خواهد بگوید اگر ذمه‌ی کسی مشغول به يك مالي بود، حالا آن مال در زمان اداء قیمتش کم یا زیاد شد، آیا این کم و زیادی مورد ضمان هست یا نیست؟ اصلاً کاری به اینجا ندارد بلکه مورد روایات این است که کسی بر ذمه‌ی دیگری دنانیری را می‌خواهد، بعد آن شخص می‌آید دینار را به این آدم به درهم می‌فروشد، می‌گوید آن دیناری که تو از من می‌خواهی را من می‌خرم در مقابل این درهم، يك بیع دینار به درهم و درهم به دینار واقع می‌شود، لذا مسئله می‌آید روی بیع و اگر مسئله آمد روی بیع دیگر ربطی به ما نحن فیه ندارد و ما نمی‌توانیم آنچه در ما نحن فیه دنبالش هستیم که ما دنبال این هستیم که اگر يك پولی، حالا یا درهم یا دینار.

این بر ذمه‌ی کسی باشد و بعد در زمانی که دفع می‌کند که می‌خواهد همان دین را اداء کند قیمتش نقصان پیدا کرده، آیا همان را باید بدهد یا نه؟ این روایات بگوئیم دلالت بر این معنا ندارد، این اشکال در اینجا مطرح است. جواب از اشکال: برخی در مقام جواب از این اشکال گفته‌اند که اگر مورد روایات مسئله‌ی بیع درهم به دینار یا دینار به درهم باشد، این که يك مسئله‌ی خیلی واضح و روشنی است و نیاز به سؤال ندارد، هر کسی می‌داند که ملاک در بیع درهم به دینار یا دینار به درهم زمان تحقق بیع است، بعد البیع قیمت‌ها بالا برود یا قیمت‌ها پائین بیاید، اینجا اصلاً اثری ندارد، همان طوری که تغییر قیمت قبل البیع دخلی ندارد، تغییر قیمت بعد البیع هم دخلی ندارد، هر کسی ولو آدمی باشد که خیلی اهل تجارت هم نباشد، می‌داند در باب بیع ملاک وقت بیع است، زمان بیع است، تغییر قیمت بعد البیع، این در معامله و اشتغال ذمه‌ی بایع و مشتری اثری نمی‌گذارد. پس این مطلب يك مطلب واضحی است، اینکه حالا در این صحیح‌ی عبدالملک عتبه الهاشمی بیاید سؤال را کاملاً مطرح کند بگوید کسی دنانیری را در اختیار دیگری قرار داده و آن شخص قبل المحاسبه درهمی داده، قبل آن یحتمل تغییر در قیمت پیدا شده، حالا اینجا این مسئله چگونه است؟ گفته‌اند که مطلب دیگری باید در اینجا باشد به مجرد اینکه بیع دینار به درهم و یا درهم به دینار است يك مطلب واضحی است که جای سؤال ندارد، پس چیست آنچه که نکته‌ی سؤال است؟ نکته‌ی سؤال این است که اگر قبل از آنکه داین و مدیون بیايند آن دین را به قیمت واقعی خودش محاسبه کند، قبل المحاسبه بیاید این آقا که داین ده دینار دین به او داده، مدیون قبل المحاسبه آمد به ازای هر دیناری هفت درهم داد، اما بعد از این اعطا و قبل المحاسبه هر دینارش شد دوازده درهم و پنج درهم بین‌شان اختلاف به وجود آمد.

سؤال این است که این پنج درهم قبل المحاسبه باید ادا شود یا نه؟ تعبیری که در اینجا وجود دارد این است که «أن الروایات و إن كانت ناظرة إلى صرف الدینار بالدرهم و بالعکس إلا أنه بعد أن کان حکم صرف أحدهما بالآخر و بأي سعر يتفق علیه الطرفان واضحاً في نفسه، و ليس مورد السؤال في هذه الروایات، فلا محالة يكون جهة السؤال فيها عن وفاء ما علیه من الدرهم أو الدینار بالآخر من غیر مصارفة و محاسبه، علی أساس أن يكون ذلك بسعره الواقعي، و حيث أن سعره الواقعي يتغير و يختلف بحسب عمود الزمان بالزيادة و النقصان، فيسأل السائل عن المعيار الذي يمكن أن يكون علیه سعر المصارفة في المحاسبه، و الإمام (علیه السلام) قد أجاب بأن له سعر يوم الوفاء، و أنه لا يضره كيف كان الصروف» [1] اینجا نیامدند بگویند حالا ما محاسبه کنیم سعر واقعی‌اش چقدر است تا بیع رویش واقع کنیم، يك مقدار درهم داده قبل المحاسبه حالا می‌خواهند ببینند آیا تغییری که بعد از این به وجود آمده تأثیری دارد یا نه؟ این جوابی است که در اینجا داده شده که خلاصه‌ی جواب این است که مسئله‌ی بیع يك امر واضحی است که نیاز به سؤال ندارد، يك. جهت سؤال در این روایات قبل المحاسبه است در مقابل دینار يك درهمی

داده شده، حالا بعدش هم تغییر پیدا کرده و امام می‌فرماید این تغییر مؤثری در مسئله نیست. قبل آن یحتسبا که در روایت دیروز خواندیم، چند معنا می‌شود در آن کرد؛ یکی اینکه بگوئیم این قبل آن یحتسبا یعنی اینکه هنوز ما تسویه حساب نکردیم، من از شما ده دینار می‌خواهم و شما هم رفتید به ازای چهار دینار، هر دینار هفت درهم، چهار هفت تا 28 درهم به من دادید، اما هنوز ذمه‌ی شما از آن دنانیر من به نحو کامل بری نشده، این يك معناست برای قبل آن یحتسبا که به نظر ما ظهور در همین دارد، معنای دوم قبل آن یحتسبا این است که بگوئیم این رفته بازار از يك دینار الآن هفت درهم گرفته اما اینها نیامدند بگویند که این هفت درهم سعر واقعی این دینار است، او نیاز به درهم داشته و گفته حالا درهم را به من بده، کما اینکه الآن در بازار همین مسئله واقع می‌شود، کسی نیاز به يك ارزی دارد و می‌گوید فعلاً این را به من بده، او هم رفته هر دیناری را هفت درهم خریده و به این داده، اما این را بر اساس سعی واقعی رد و بدل نکردند، قبل آن یحتسبا یعنی قبل آن یحتسب الدائن و المديون، این دینار را بر اساس سعر واقعی‌اش، یعنی يك وقت مديون می‌گوید الآن سعر واقعی این دینار هفت درهم است و به شما دادم تمام شد، اما نه بر اساس اینکه این قیمت واقعی این باشد، این هم احتمال دوم در کلمه‌ی قبل آن یحتسبا، حالا چه احتمال دوم باشد و چه احتمال اول، اجمالاً قبل آن یحتسبا یعنی هنوز این دین بین‌شان باقی است، این مسئله‌ی دین بین‌شان تمام نشده.

انصاف این است که روایت ظهور در همان بیع دارد، یعنی این آقا رفته به جای يك دینار هفت درهم خریده و به این داده، فقط يك واسطه بوده، مخصوصاً اینکه در روایت دارد که خود این شخص مديون پیشش درهم نبوده و این دائن گفته برو برای من درهم تهیه کن و بیا، این هم رفته به ازای پنج دینار، هر دیناری هفت درهم، 35 درهم گرفته و به این داده. چون اینجا مسئله‌ی پول است، پول در بازار قیمتش بالا و پائین می‌رود و تغییر دارد به نقصان و زیاده، سؤال این است که حالا این رفت دینار را خرید به هفت درهم، هنوز ما با هم تسویه حساب نکردیم، یعنی يك مقدار دیگر من طلب دارم، هنوز تسویه حساب نکردیم و يك مقدار هم از طلب باقی مانده، به چه قیمتی من حساب کنم؟ این دراهمی که باقی مانده مسلم است که قیمت جدید حساب می‌شود، آن دراهمی که این اقا به من داده، یعنی آن دنانیری که در قبالش دراهم به من داده آیا آن پنج دره‌می که در آنجا کم آمده را باید بپردازد یا نه؟ امام می‌فرماید نه، همان یوم الاعطاء بوده و مسئله تمام است. اگر همان زمان در ازای دو دینار که باید به من چهارده درهم بدهد ده درهم داد، می‌گوید چهار تایی بقیه را باید بدهد، اگر دراهم و ورق به قدر دنانیر باشد مسئله تمام شده و این بیع است و اصلاً ربطی به ادای دین ندارد، این اولاً. منتهی عرض کردیم در روایت کلمه‌ی قبل آن یحتسبا دارد، ما می‌گوئیم قبل آن یحتسبا دو احتمال دارد؛ یا نگفته و یا اینکه آن موقعی که این آقا درهم را آورده داده، نگویید من این را در قبال قیمت واقعی امروز دینار دارم به شما می‌دهم، بگوئیم همین‌طور آورده داده. به عنوان سعر واقعی نیاورده بپردازد که البته معنای اولی که می‌کنیم اظهر از این معنای دوم است. اشکال دوم: اشکال دیگری که این روایت دارد این است که این روایت در مورد درهم و دینار است، درهم و دینار خودشان يك ارزش ذاتی هم دارند و لیکن پول فقط ارزش تبادلی دارد، ارزش آن فقط اعتباری است، مالیتش مالیت اعتباریه است و در درهم به اعتبار نقره بودنش مالیت ذاتی است، دینار مالیت ذاتی دارد اما در نحن فیه مالیت، مالیت اعتباری دارد.

این بحث را ما همین جا تمام می‌کنیم. ما در این بحث مثلی و قیمی که از اول امسال شروع کردیم بحمدالله این بحث به نظر من به لطف خدا بحث مفصل و منقحی شد، وارد این مسئله شدیم که آیا پول مثلی است یا قیمی؟ وارد این مسئله شدیم که نقصان ارزش پول آیا متعلق ضمان هست یا نه؟ هم علی القاعده مورد بحث قرار دادیم و هم علی حسب الروایات، این را مورد بحث قرار دادیم. ان شاء الله بحث را همین جا تعطیل می‌کنیم.

و صلي الله علي محمد و آله الطاهرين
